اولیور استون:

سیاست امریکایی پارانویا دارد

■ **معصومه طاهری**

اولیور استون کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده امریکایی است. او به واسطه کارگردانی سری فیلم‌هایی که در مورد جنگ ویتنام ساخته شده بود، به شهرت رسید و تاکنون دوبار موفق به دریافت جایزه اسکار شده است. استون کارگردان فیلم «مرکز تجارت جهانی» است که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد. این فیلم راه را برای او در امریکا پس از ۱۱ سپتامبر باز کرد و به شهرت رساند. «جان اف کندی» فیلم مستندی است که کارگردان معروف امریکایی اولیور استون درباره این ترور سیاسی رازآلود و مشهور ساخته است. اولیور استون فیلم‌های زیادی درباره شخصیت‌های تاریخی ساخته و ده‌ها مصاحبه با شخصیت‌های مهم سیاسی انجام داده است. روزنامه گاردین، استون را یکی از معدود هنرمندان چپ‌گرای متعهد می‌داند که در سینمای امریکا فعالیت حرفه‌ای دارد. استون فیلم «جی اف کی» را در سال ۱۹۹۱ ساخت...

روز دوشنبه گذشته نشست مطبوعاتی استون در سالن هتل پلازا برگزار شد. خبرنگاری از او می‌پرسد درحال حاضر چه تصویری از ریچارد نیکسون، جورج دبلیو بوش، هیلاری کلینتون یا دونالد ترامپ دارید و از کدام شخصیت می‌توان فیلم بهتری ساخت او در پاسخ می‌گوید: برای من مهم نیست! این یک سؤال احمقانه، سطحی و مسخره است! و چند دقیقه بعد، به نظر می‌رسد آرام شده است. خبرنگار نشریه فیگارو در حاشیه این نشست مطبوعاتی با وی مصاحبه کوتاهی انجام داده است.

پس از فیلم (JFK) جان اف کندی، به شما این اجازه داده می‌شود تا پارانوئید موجود در امریکا را به سینما بیاورید. این چه حس هیجان‌انگیزی دارد؟

پارانویا یک موضوع جالب برای فیلم در سینما است. علاوه بر این باید بگویم متأسفانه پارانوئید حقیقتی است که خیلی اوقات وجود دارد. من معتقدم بسیاری از دولت‌ها در سراسر جهان هستند که با مردم و ملت‌شان صادق نیستند و به نوعی اغلب رهبران سیاسی پارانوئید هستند و این یک واقعیت است.

آیا ماجرای مستند افشاگری‌های اسنودن آخرین قسمت از سه گانه رهبران غیرمحتمل و تجارت جهانی است؟

بله، از طریق این سه فیلم، من می‌خواستم به امریکای پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ اشاره کنم. به همین خاطر من هم یک فیلم مستند در ۱۰ قسمت تولید کردم، این ماجرا یکی از داستان‌های تاریخ امریکا است که به سال‌های ۱۸۹۰ تا ۲۰۱۳ مربوط می‌شود و این کار پنج سال از زندگی من را به خودش اختصاص داد و خیلی وقت‌گیر بود تا به پایان رسید. این فیلم در سالی که اسنودن افشاگری کرد ساخته شد اما حقیقت پارانویا در سیاست امریکایی وجود دارد، حتی قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر هم بوده است که ۱۱ سپتامبر تنها آن را بدتر و وخیم‌تر کرده است.

چرا مستند اسنودن با این حجم بزرگ به صورت اجرایی ساخته و تولید نشد؟

تمامی کارهای مربوط به ساخت و تولید مستند انجام شده است اما استودیوهای بزرگ که توسط شرکت‌های چند ملیتی و متعلق به سرمایه‌داران بزرگ هستند از منافع خود می‌ترسد و برای همین خودشان دچار خودسانسوری هستند و هنوز از پخش آن واهمه دارند. من معتقدم بسیاری از امریکایی‌ها نظارت و کنترل‌ها برایشان اهمیتی ندارد، تا زمانی که چنین مسائلی وجود دارد و با آنها صادق نیستند.

روح‌الامین تابلوی عاشورایی جدیدی خلق کرد

رونمایی از «عرش بر زمین افتاد»

«عرش بر زمین افتاد»؛ تازه‌ترین اثر نقاشی حسن روح‌الامین که بیانگر آخرین ساعات زندگی سیدالشهدا(ع) است، با حضور مدیرکل هنرهای تجسمی، جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان عصر سه‌شنبه ۱۱ آبان ماه همزمان با نخستین روز ماه صفر در موزه هنرهای معاصر تهران رونمایی شد.

مجید ملانوروزی؛ مدیرکل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران با اشاره به فرهنگ اسلامی - ایرانی گفت: فرهنگ و هنر ایرانی همواره با موضوعات دینی و مذهبی همراه بوده است و راز ماندگاری این هنر در همراهی با هنرهای عاشورایی و مذهبی است.

وی افزود: در فضای معاصر ما کمتر به این موضوع و مضامین دینی پرداخته می‌شود و مفاهیم دینی و مذهبی بیشتر در هنر قهوه‌خانه‌ای مورد توجه بود اما جای خوشحالی دارد که نسل جدید ما با هنرمندی چون حسن روح‌الامین که تجربه بسیاری در حوزه انعکاس وقایع عاشورایی و مذهبی دارد، همراه شده است. این هنرمند آثار بی‌نظیری دارد و امیدوارم تکنیک آثار با مخاطبان ارتباط برقرار کند، که قطعاً چنین می‌شود.

سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران در ادامه گفت: هنرهای دینی قطعاً با ترکیب‌بندی خاصی که از فضای مذهبی و اسلامی نشأت گرفته، همراه است، اما غالب آثار در این حوزه رئالیسم هستند و امروز جوانان مستعدی چون حسن روح‌الامین با آثارشان نشان داده‌اند که هم می‌شود کار مناسب و تکنیکی هنری انجام داد و هم محتوای ویژه‌ای را تولید کرد و آینده این هنرمند جوان با تکنیک و تاش‌های قوی درخشان است. حسین رجبی؛ کارشناس تاریخ اسلام در بخش دیگری از این رونمایی گفت: بابت رونمایی و توجه به این اثر فاخر و انقلابی تقدیر و تشکر می‌کنم. حس و حال معنوی که این آثار دارند هر کسی را چه باسواد، چه بیسواد و چه هنرمند چه غیرمتخصص تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

رجبی افزود: چنین آثاری در حوزه هنر قطعاً از تأثیرگذاری بالایی برخوردارند، همچون آثار بزرگانی که در عرصه فقه، کلام و... تألیفاتی دارند. در بخش دیگری از این برنامه آریا عظیمی‌نژاد؛ آهنگساز درباره حسن روح‌الامین و آثارش گفت: در این اتفاق خاصیتی وجود دارد که آن دیدن لحظاتی است که تنها به دانستن تاریخ و تکنیک بستگی ندارد و بلکه به حس و درک درونی فرد برمی‌گردد.

وی افزود: بعضی از زخم‌ها به دلایلی هیچ‌گاه التیام نمی‌یابند و عاشورا از این زخم‌هاست. حال این زخم در وجود برخی از هنرمندان نیز وجود دارد. به همین دلیل وقتی به این وسیله به آنها اجازه داده می‌شود تا صحنه‌هایی از این واقعه را ببینند، می‌دانم که چه فشاری از لحاظ روحی و جسمی به آنها وارد می‌شود و من امروز خوشحالم که در اینجا برادر و دوستی را پیدا کرده‌ام که نگاهش خیلی شبیه من است.

حمید بهرامی؛ هنرمند نیز در این مراسم با بیان خاطراتی از حسن روح‌الامین به قوت و کیفیت آثار او اشاره کرد. سیدمسعود شجاعی طباطبایی؛ کاریکاتوریست نیز در این مراسم در سخنانی برای ادامه راه حسن روح‌الامین آرزوی موفقیت کرد. سخنان مادر شهید مدافع حرم؛ امیر سیاوشی بخش دیگری از این مراسم بود. امیر سیاوشی ۲۹ آذرماه سال ۱۳۹۴ در جنوب حلب در دفاع از حرم به شهادت رسیده است. امیرحسین مدرس که اجرای رونمایی از این اثر نقاشی را بر عهده داشت غزل مقبل کاشانی را که عنوان «عرش بر زمین افتاد» نقاشی حسن روح‌الامین از آن گرفته شده است، با آواز خواند. در ادامه با حضور مادر شهید مدافع حرم، مدیرکل هنرهای تجسمی و حاضران از اثر «عرش بر زمین افتاد» رونمایی شد. این اثر در ابعاد سه در چهار متر و با تکنیک رنگ روغن روی بوم خلق شده است. در این اثر نقاشی که در مدت ۷ ماه به اتمام رسیده است، افراد و شخصیت‌های بسیاری دیده می‌شوند که هر کدام نماینده یک قشر از انسان‌های جامعه هستند. همزمان و در کنار رونمایی از اثر «عرش بر زمین افتاد» تعداد ۶ اثر نقاشی عاشورایی از این هنرمند با عنوان‌های «قاهرالعدو»، «آخرین سرباز لشکر»، «ویرانه شام»، «اول مظلوم»، «علقمه» و «آتش پرستارم شده» و در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت.

گفت‌وگو با ناصر هاشم‌زاده فیلمنامه‌نویس و نظریه‌پرداز سینمایی

این سینما دینی و ملی نیست

سینما اصلاً دلمرده است. این سینما بی‌رؤیا است و مشغول در جازدن است

■ **حمید صناعتی**

سیدناصر هاشم‌زاده نویسنده و منتقد سینمایی است که در بسیاری از آثار مجید مجیدی به عنوان مشاور و همینطور نویسنده فیلمنامه حضور داشته است. از کارهای او می‌توان فیلمنامه زیر نور ماه ساخته رضا میرکریمی، بید مجنون ساخته مجید مجیدی و البته بازنویس فیلمنامه‌هایی چون هیهات را نام برد. ایشان همچنین رمانی با عنوان «او سلمان شد» را روانه بازار کرده که درحال بازبینی برای طراحی فیلمنامه از روی آن هستند. با ایشان درباره نسبت سینما و انقلاب اسلامی به گفت‌وگو می‌نشینیم.

چرا سینما طی این سال‌ها آنطور که از آن به عنوان یک رسانه قدرتمند انتظار می‌رود نتوانسته در خدمت انقلاب و آرمان‌های آن باشد؟ چرا پیام انقلاب هنوز نتوانسته از طریق این مدیوم به دنیا صادر شود؟

شما سؤالی را می‌پرسید که سال‌هاست مطرح است، همه هم پاسخ‌های مشابه دادند به آن و جوابش را هم خودتان دارید، ولی بازهم پرسش ادامه دارد. برای اینکه خاستگاه خود این پرسش سینما نیست، خاستگاه این پرسش از سیاست می‌آید. از برنامه‌ریزان سیاسی می‌آید. آن گروهی که در قدرت باشند و در سیاست قدرت داشته باشند آن گروه همیشه توجیه‌گر وضع موجودند و می‌گویند چه چیزی بهتر از این سینما داریم. همین سینما هم در حد خودش در خدمت انقلاب است. همین که موقعیت عوض می‌شود نظر هم عوض می‌شود. یعنی موقعیتشان در نحوه جواب دادنشان مؤثر است. خب پس ما با این پرسش روبه‌رو هستیم در این زمان فعلی یعنی سینما در خدمت انقلاب، پرسشی که همیشه پرسیدیم و پاسخی که همیشه دادیم. هم پاسخ‌دهنده و هم پرسشگر حدود آن را می‌دانند. باید از آن فاصله بگیریم، دارد تکراری می‌شود. نمی‌خواهم این فاصله اینگونه باشد که بگوییم سینما چیست و انقلاب چیست و آیا این انقلاب از سینما انتظار دارد. همیشه می‌گوییم اگر سینما ظهور کرده از دوره‌ای که وارد ایران شده تا الان چه قبل انقلاب و چه بعد آن، سینما آنچه را که در چنته داشته ارائه داده، سینما همین هست که هست. سینماگران زحمت کشیده‌اند هر کدام در توان خودشان چیزی را ارائه دادند که موجود است و ما به این رسیدیم که وقتی به آرمان‌ها می‌اندیشیم می‌بینیم ما این سینما را نمی‌خواستیم، البته همه به این نرسیدند، عده‌ای رسیدند که ما این را نمی‌خواستیم. چه می‌خواستیم؟ سینما قرار بود ما را به سمت دیگری ببرد و آن اوضاع ایجاد شود. آن اوضاع چیست؟ ما باید به آن پاسخ دهیم. ما یقه سینما را گرفتیم که تو در خدمت انقلاب نیستی یعنی مایی که به این پرسش رسیدیم. مگر من قرار بود چه کنم؟ من یک بودجه منصوب دارم یک‌سری هم مشغولند، آن بودجه باید خرج شود. تولید محدود؛ کارگردان‌ها مشخص و بازیگرها معین و تربیت یافته این ۳۰ سال هستند که نظام اقتدار پیدا کرده. سنین خیلی از اینها مال این دوره است. حالا بازمانده‌هایی هم هستند. می‌خواهند فیلم فارسی را زیاد کنند که البته یا ترک کار کردند یا دیگر به درد نمی‌خورند. بیشتر بچه‌های انقلاب و بعد انقلاب هستند. آیا این سینما هم در خدمت انقلاب نیست. بله یک‌سری هم می‌گویند که همین سینما هم در خدمت انقلاب نیست، که این کار را سخت‌تر می‌کند پس نسلی که در خود انقلاب بالیدند و سینماگر شدند امروز همین نسل در خدمت انقلاب نیست. سؤال پیش می‌آید که همیشه می‌پرسم: تو این ۳۰ سال وضع اقتصادی هم همین بوده؟ چه اتفاقی در جای دیگر افتاده که از سینما انتظار دارید ولی از اقتصاد و... انتظار ندارید؟ بانکداری اسلامی؟ معاملات اسلامی؟ در وضعیت اجتماعی، اخلاق اسلامی؟ اخلاق دینی؟ جامعه دینی؟ من فکر می‌کنم آن پرسش زیاد جا پیدا نمی‌کند.

پس شما تا به اینجا می‌خواهید بگویید این انتظار ما از سینما غیرمنطقی و نابجا است چون هیچ چیز ما به خوبی در خدمت انقلاب قرار نگرفته و بی‌مبنا است؟

نه اینکه بی‌مبنا است، ما یک انتظاری از سینما داریم اما نمی‌گوییم این انتظار چیست؟ نمی‌توانیم بیانش کنیم. مثلاً گاهی می‌گوییم دردهای مردم را بگویند. برخی می‌گویند، ولی امکان دارد دردها با ما فرق داشته باشد. ولی یک دعوایی هست که این سینما مشخصه‌های یک سینمای ملی را دارد. من قائل هستم ندارد. مشخصه‌های یک سینمای دینی را دارد یا نه که من می‌گویم ندارد. ولی این سینما دست پرورده همین مسئولان است که از اینها هم انتظار معجزه‌ای ندارم. قائل بر این نیستم که اینها می‌توانند درست کنند. اینها با این افکاری که در این ۳۰ سال رسوب کرده امکان اینکه سینمای ملی را محقق کنند ندارند چه برسد به سینمای دینی. چنین انگیزه‌ای هم ندارند و اگر هم داشته باشند برحذرش می‌کنند.

پس در وهله اول یک سینمای ملی و بودجه باید داشته باشیم تا بعد بتوانیم سینمای دینی و غیره داشته باشیم که فعلاً نداریم؟

من می‌خواهم بگویم که به این سمت هم نمی‌رویم. سینما چیست؟ سینما یعنی نموداری از فرهنگ و هویت ملی یک جامعه که زبانش هست، دینش هست، ارزش‌های اخلاقی‌اش هست، سنتش هست، ما اینها را در سینما نمی‌بینیم. زبان سینما زبان آشفته‌ای است. هویت ملی ما که مذهب و زبان و ارزش‌های اخلاقی است در سینمای ما تبلور ندارد.

برای اینها نباید سینماگران ما پاسخگو باشند؟ چرا باید همه را دولت جواب بدهد؟

چرا باید کارگردان و سینماگر مسئول باشد؟ کارگردان کسی است که یک پولی می‌گیرد و یک برنامه‌ای را برای تهیه‌کننده‌ای که باز از طرف نظام مقبول هست و پول را به او می‌دهند... شما چرا از کارگردان سؤال نمی‌پرسید؟ چرا از او نمی‌پرسید؟ چرا او مصونیت دارد؟ چرا مسئول حوزه هنری مصونیت دارد؟ چرا او نباید پاسخگو باشد؟ در حالی که او مجری است! چرا باز یقه سینماگر را می‌چسبید. سینماگر را به عنوان شاغل حساب کنید. شما هر کسی را هم استخدام نمی‌کنید. چرا فقط باید به چند نفر خاص بودجه بدهیم و چرا فقط اینها فیلم می‌سازند و چرا اگر خلاف هم بسازند باز جایزه می‌دهید؟

انگار یک سردرگمی وجود دارد!

من می‌گویم دودوزه بازی. از این سینما هم بیشتر از این انتظار نیست. من به یک عده دلسوزی که به افق‌های بالاتر فکر می‌کنند می‌اندیشم. چه کسانی حاضرند برویم به سمت افق؟ به امید رسیدن به قاف حرکت می‌کنیم. حالا در نظر خیلی‌ها ایدئالیستی فکر کردن هست ولی باشد چاره‌ای نداریم.

پس شما مقصر را خود سیاست و سیستم دولتی می‌دانید؟

چرا می‌گویید مقصر اینها همین هستند، می‌گویند ما برنامه را اجرا می‌کنیم، قانون را اجرا می‌کنیم. هرجا قانون باشد.

قانون گفته یک سینمای تراز انقلابی باید داشته باشیم.

خوب پس چرا قانون یقه آن را نمی‌گیرد؟ پس همین را می‌خواهد. چون اگر نمی‌خواست یقه می‌گرفت. مجری قانون می‌گفت معاونت سینمایی تو درست عمل نکردی ولی او می‌گوید تو درست عمل کردی. همه به هم می‌گویند تو درست عمل کردی. مشکل آدم‌هایی هستند که آرمانخواه هستند. آدم‌هایی مثل ما که گوشه‌ای می‌نشینند و برهمه چیز عالم یک اما و اگری دارند. شاید ما باید ساکت باشیم. قانون اینها را تأیید می‌کند و قانون اینها را حمایت می‌کند. ما با کسانی مبارزه می‌کنیم که قانون حامی آنهاست؟ ما چه می‌خواهیم؟ ناراحتی ما از کجاست؟ من یک آرمانخواهم و به دنبال یک سینمایی که به افق‌های برتری بیندیشد. سینما و فرهنگ باید به سمت آن آرمان‌ها پیش برود و من تسلیم آن سینما نمی‌شوم. اینکه سینماگر باید با من هماهنگ باشد درست نیست و چه بسا بتواند من را بی‌خانمان کند. و ما هم در حد یک غرغرو باقی می‌مانم. ولی من از آنجایی که به ذات اندیشه و ایمان اعتقاد دارم می‌گویم این اندیشه اگر دربگیرد روزی درخواهد گرفت و کسانی از بین این قوم و جمعیت و سینماگران بلند می‌شوند و می‌گویند نکند افق بالاتری هم در کار باشد. نکند افق ما با افق هالیوود یکی باشد. نکند باید از فیلم‌فارسی فاصله بگیریم. به سینمای خودی بیندیشیم که به فرهنگ ما قائل باشد و نوع نگاه ما را پیش ببرد. شاید یک روزی عده‌ای آن را پیش ببرند. و چون معتقدم مدام می‌گویم و چون از شعر و معماری و ادبیات بهره می‌برم برای این است که بگویم ما یک افقی را در نظر گرفته‌ایم. این افق فیلم‌های دلمرده مریض امروز نیست. این سینما نمی‌تواند ما را به آن افق نزدیک کند. حتی فیلم‌های دینی این سینما هم دارد حال من را به‌هم می‌زند.

من برای اینکه خودم به یک پاسخ برسم با یک سینماگری که متفکر باشد حاضرم حرف بزنم. اما سینماگر حوصله من را ندارد و من هم با او هم‌کلام نیستم. انتظاری از سینماگر ندارم. سینماگر شاغل است. قسمتی هنرمند هستند شاغل یا نیمه شاغل و نظام به آنها اجازه ساخت داده است. فیلم آقای درویش را مجوز داده‌اند پس چرا دیگر جلویش را می‌گیرید؟ دیدگاهتان عوض شده است؟ فهمیدید که نباید می‌ساختید؟ آقای درویش جور دیگری باید می‌ساخته؟ دولت می‌گوید که عده‌ای اجازه نمی‌دهند، آن عده کیستند؟ من می‌توانم با آقای درویش مثلاً بحثی داشته باشم در باب سینما و مفهوم و معنا ولی بحث من اینها نیست. مقوله سینما در حوزه اقتدار سینما و دولت همین است که هست چون مدیر می‌گوید همین است که هست، من فراتر از قانون که نمی‌توانم بگویم این باشد یا نباشد ولی در حوزه اندیشه که می‌توانم. من کاری با دولت و اینها ندارم ولی در حوزه اندیشه می‌گویم سینما ابتر است. سینما اصلاً دلمرده است. این سینما بی‌رؤیا است و مشغول در جازدن است. اینها حرف‌های من است. آقای ایوبی که استناد به قانون می‌کند و اگر هم خلاف عمل کرد که خود قانون جلویش را می‌گیرد. بودجه بودجه قانونی و مسئول مسئول قانونی است پس من در کدام حوزه باید سخن بگویم؟ یک شهر است و صد کدخدا و هیچ کس مسئول هیچ چیز نیست و همه مسئول هیچ چیز نیستند! در چینن موقعیتی باید با کی صحبت کنیم؟ من حرف خود را در باب اندیشگی سینما می‌زنم، فیلم محمد رسول‌الله یا فیلم رستاخیز دینی است اما من به راحتی می‌گویم دینی نیست. آقای ایوبی می‌گوید دینی است، فیلم محمد را پخش می‌کنید ولی رستاخیز را نه به علت آن که صحنه‌هایی از آن را ایراد داریم. بحث من ولی اینها نیست. آیا این فیلم ضد دین است؟ خیر ضد دین هم نیست. سینمای ما به جایی رسیده است که می‌خواهد مقلد هالیوود شود تازه درجایی که می‌خواهد تجاری شود. این سینما با شرایط فعلی به‌جایی رسیده که راه پیش ندارد ولی درجا می‌زند چون ما در بن‌بست‌ها درجا قدم می‌زنیم برنمی‌گردیم.

آمدیم و یک خارجی را آوردیم برایمان کار کند. مثل زمانی که یهودی را آوردیم تا برایمان اذان بگوید اشکالی دارد؟ من قبول ندارم که در حوزه اندیشه ارسطو را طوری تعریف کنیم که دینداری را ثابت کند.

سینما اگر بیاید و همه آنچه که دولت‌ها انجام می‌دهند را توجیه کند در خدمت انقلاب است؟ اگر هر کاری که نظام کرد را بیاید توجیه کند این می‌شود انقلاب؟ سینمایی که دولت آقای روحانی و احمدی‌نژاد هر چه انجام داد بیاید تأیید کند و بگوییم که بهتر از این نیست و نظیر در دنیا ندارد! ما که این را نمی‌خواهیم اینکه سینما نیست.

بگذارید سؤال بهتری بپرسم، اگر بخواهیم این سینما در خدمت انقلاب باشد چه باید بکنیم؟

یعنی شما می‌گویید این سینماگران خلاف آرمان‌های امام هستند؟ از خود سینماگران بپرسید چقدر خودشان را در خدمت امام و انقلاب می‌دانند؟! فیلم‌های حوزه هنری برخلاف آرمان‌های امام ساخته شده؟ من می‌گویم اینها همه فیلم‌هایی بوده است که از دولت جمهوری اسلامی مجوز گرفته است. هیچ‌کدام از فیلم‌ها برخلاف قانون عمل نکرده‌اند و همه در خدمت قانون بودند. هیچ‌کدام برخلاف قانونی که هست اقدام نکرده‌اند. بگویید کدام برخلاف عمل کرده است؟ چرا من با سینماگر دعوا کنم که این فیلم‌ها را ساختی؟ بعد هم بده آنها بشوم و فحشش را بخورم.

من الان فکر می‌کنم که این پرسش یکجور بازی است. یک عده این پرسش را دارند و من هنوز نمی‌دانم که در خدمت انقلاب یعنی چه؟ در خدمت نظام در خدمت قوای مقننه و قضائیه؟ اگر درخدمت گرفتن را این بدانیم که مدیران را راضی کنیم یک سینمای ابلهانه خواهیم داشت. الآن هم این سینما هیچ ماهیت و هویت درستی ندارد و افقی هم ندارد. اما این سینما بضاعتش هم همین بوده است. مجله سینمایی آقای جیرانی تعریفی از همین سینمای موجود است. این درخدمت انقلاب بودن خیلی مبهم است و باید روشن شود.

اما ما باید قبول کنیم که برخی از سینماگران هم از ضعف تئوریکال و فقر سواد بهره‌مند هستند و همه چیز گردن نظام و دولت نیست!

البته بله بی‌سوادی در همه‌جا غوغا می‌کند.

> **سینما یعنی نموداری از فرهنگ و هویت ملی یک جامعه که زبانش هست، دینش هست، ارزش‌های اخلاقی‌اش هست، سنتش هست، ما اینها را در سینما نمی‌بینیم. زبان سینما زبان آشفته‌ای است. هویت ملی ما که مذهب و زبان و ارزش‌های اخلاقی است در سینمای ما تبلور ندارد**

«نجم‌الثاقب» را در مسیر پیاده‌روی اربعین ببینید

علیرضا کوهفر رئیس مرکز مهنا، از آماده‌سازی اجرای نمایش میدانی «النجم الثاقب» برای سومین سال متوالی در مسیر پیاده‌روی اربعین زوار حسینی خبر داد.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سازمان هنری رسانه‌ای اوج، کوهفر با بیان اینکه نمایش میدانی «النجم الثاقب» همانند سایر نمایش‌های میدانی مرکز مهنا به صورت چند رسانه‌ای اجرا می‌شود گفت: در این ژانر نمایش از تصویر، صدا و نمایش میدانی به صورت همزمان استفاده می‌شود که همین مسئله، موجب ارتباط مؤثرتر نمایش‌های میدانی مرکز مهنا با مخاطبین شده است. وی در تشریح سناریوی «النجم الثاقب» افزود: سناریوی این نمایش از حرکت حضرت مسلم به سمت کوفه شروع می‌شود و در ادامه حرکت کاروان امام حسین به سمت کربلا را به نمایش می‌گذارد که نقطه اوج این نمایش مقتل و روضه ابا عبدالله در روز عاشوراست. کوهفر ادامه داد: در ادامه به بحث حرکت اسرا به سمت شام و فجایع پدید آمده در این مسیر، قیام مختار و در نهایت قیام حضرت مهدی (عج) اشاره می‌شود.

مدیر مرکز مهنا یکی از ویژگی‌های این نمایش میدانی را به تصویر کشیدن مسائل روز معرفی کرد و گفت: در بخش‌های انتهایی این نمایش در مورد مقاومت مردم عراق در برابر بیگانگان، شکل‌گیری داعش و ظهور حضرت حجت (عج) مباحثی مطرح می‌گردد که به نظر می‌رسد از بخش‌های جذاب نمایش میدانی «النجم الثاقب» برای مخاطبین باشد.

کوهفر محل برگزاری نمایش میدانی «النجم الثاقب» را در شهر نجف زیر پل ثوره العشرین اعلام کرد و افزود: با توجه به محدودیت‌هایی که برای زائرین اربعین حسینی از لحاظ زمانی وجود دارد، مدت زمان اجرای نمایش ۳۰ دقیقه در نظر گرفته شده و در طول روز در ۵ یا ۶ سئانس مجزا برای مخاطبین اجرا می‌گردد. او همچنین از آمادگی تیم اجرایی «النجم الثاقب» برای اجرای نمایش به دو زبان فارسی و عربی خبر داد و گفت: امسال بر خلاف سال گذشته تلاش داریم که نمایش را به صورت عربی اجرا کنیم تا بتوانیم با مخاطبین عرب‌زبان به شیوه بهتری ارتباط برقرار کنیم. البته تیم اجرایی ما آمادگی انجام نمایش به زبان فارسی را هم دارند که در صورت حضور زائرین فارسی زبان در برخی از سئانس‌های نمایش، اجرا می‌شود. کوهفر در پایان گفت: اجرای این نمایش میدانی در عراق با همکاری یک تیم حدوداً ۹۰ نفره از نیروهای پشتیبانی و اجراست و از دهم ماه صفر تا اربعین حسینی هر روز در محل اعلام شده، اجرا می‌گردد.

سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در سفارت امریکا از شبکه مستند

مجموعه «تاریخ شفاهی ایران» در روزهای چهارشنبه ۱۲ و پنج‌شنبه ۱۳ آبان سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در ششم آذر ماه ۱۳۵۸ مقابل سفارت امریکا را روی آنتن می‌برد.

به گزارش روابط عمومی شبکه مستند سیما، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخشی از این بیانات می‌فرمایند: پرمعناترین محرم تاریخ هزار ساله ما در این یکی دو سال می‌گذرد. سال گذشته محرم ما به معنای واقعی کلمه محرم بود. محرم خون، محرم شهادت و محرم حسین(ع). امسال هم محرم پیام است. معنای محرم در منطق شیعی و فرهنگ اسلامی، خون دادن، شهید شدن، قیام کردن در راه آرمان حقی است که برای همه انسان و انسانیت ارزشمند است.

سال‌ها می‌گذشت که محرم ما بی‌محتوا بود، بی‌معنا بود. نام حسین(ع) می‌آمد اما از روح و هدف حسین(ع) و پیام او خبری نبود. خدا را شکر و ملت قهرمان ما را شکر و رهبر ما را شکر که به این مفهوم عظیم در فرهنگ انقلابی معنا داد.

ایشان در بخش دیگری از سخنانشان تأکید می‌کنند: ملت ایران، دوستان و دشمنان زیادی در طول این سالیان دراز شناخته است. دولت‌هایی که ادعای حمایت از ایران را می‌کنند باید بدانند امروز ما به زبان تعارف قانع نیستیم، امروز جلاد این ملت در حمایت دولت امریکاست. این ملت هرگز آن دولت را نخواهد بخشید. ما ابتدا تعرض نکردیم، ما ابتدا مورد تعرض واقع شدیم. جلاد ما را پناه دادند و مزدوران خود را به جاسوسی گماشتند. ما در مقابل یک تهاجم دست به تهاجم مقابل زدیم و می‌زنیم. «تاریخ شفاهی ایران» به تهیه‌کنندگی سیدمهدی مویدی، چهارشنبه ۱۲ و پنج‌شنبه ۱۳ آبان ساعت ۱۹ از شبکه مستند سیما روی آنتن می‌رود و پنج‌شنبه و جمعه ساعت ۱۱ صبح بازپخش می‌شود.